

Journal of Resistance Literature
Faculty of Literature and Humanities
Shahid Bahonar University of Kerman
Year 13, No 24, Spring / Summer 2021

**A suggestion for categorizing groups and components of
Resistance Literature**

Gholamreza Kafi¹ 

Abstract

The investigation of resistance components and inspecting them in literary works is one of the most common ways of research in resistance literature. What makes this similarity in researches and highly frequent articles different is the differences in viewpoints in titling the components, that is often rooted in the author's interest and taste. Therefore, it seems that we can achieve an appropriate convergence and harmony in terms of form and appearance in researches of resistance literature by coming up with a systematic method.

Systematicity is of paramount importance in the scientific and academic community. The fact that scientific-literary community has shown a noteworthy attitude towards researches that are systematic and based on scientific-literary theories is caused by previously said importance. This article is aimed at proving a harmonic, identical and unified method by a suggestion for categorizing groups and components of resistance literature based on thematic foundation of the components and their frequency in different researches, basically because of the variation in titling of components.

60 titles were gathered in 9 group-components. Considering these statistics, we can be convinced that every single thing that is titled a component in resistance literature researcher's view is collected. In

¹ Associate Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Literature & Humanities, University of Shiraz, Shiraz, Iran. Email: ghkafi@shirazu.ac.ir

Received: July 20, 2020

Accepted: April 16, 2021

addition, it is emphasized that the claim about the frequency of the components in various subjects of resistance literature is not based on guesses and doubts, but the investigation of 20 issues of *Journal of Resistance Literature* has led us to this result, since there are 64 articles titled 'investigation of Resistance components' out of 276 published articles (more than 23%).

This study with the purpose of structural unitizing of research in components has achieved:

- I. Reducing the variation and discrepancy in the general title for the topic
- II. Correcting variation and difference in the title of some components
- III. Discouraging researchers from gathering multiple components in one title

General list of components as the findings of this study are as follows:

- 1) Components that are based on explanation of identity
- 2) Components that are based on detestation of injustice and rejection of foreigners
- 3) Components that are based on chivalry and warriorship
- 4) Components that are based on patience and defensive readiness
- 5) Components that are based on benevolence
- 6) Components that are based on insight and intuition
- 7) Components that are based on informativeness
- 8) Components that are based on unity and donation
- 9) Components that are based on generosity tradition

Providing and using a systematic method in one of the most frequent subjects of resistance literature, as the main purpose of this study, is achieved to bring convergence in similar researches. This study has suggested 60 different titles in 9 group-components that we can categorize, investigate and even evaluate nearly a quarter of researches of resistance literature systematically and theoretically. This investigation on nearly 600 articles, has finally resulted in prioritizing group-components and sub-titles. In other words, the order of listing the components and the sub-titles was based on their frequency and recurrence. For example, group one (components that are based on explanation of identity), has had the most examples and approaches in resistance literature researches, and group nine (components that are based on generosity tradition) has drawn the least attention to itself in research.

Keywords: Resistance literature, Resistance components, Categorizing group-components

Paper Type: Research Paper.

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال سیزدهم، شماره بیست و چهارم، بهار و تابستان ۱۴۰۰

پیشنهادی برای رج‌بندی گروه - مؤلفه‌های ادبیات پایداری

(علمی-پژوهشی)

غلامرضا کافی*

چکیده

بررسی مؤلفه‌های پایداری و ر صد آن در آثار ادبی یکی از رایج‌ترین شیوه‌های تحقیق در ادبیات پایداری به حساب می‌آید. آنچه این همسانی را در تحقیقات و مقاله‌های پُرسامد متفاوت می‌کند، اختلاف دیدگاه‌ها در عنوان‌بندی مؤلفه‌هاست که در اکثر مواقع ریشه در ذوق و سلیقه نویسندگان دارد. بنابراین، به نظر می‌رسد می‌توان با کاربست شیوه‌ای نظام مند، به هماهنگی و همسانی شایسته‌ای از منظر شکل و نمایه در پژوهش‌های ادبیات پایداری دست یافت.

نظام‌مندی در جامعه علمی و دانشگاهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پیامد همین اهمیت است که جامعه علمی ادبی نیز به پژوهش‌های نظام‌مند و مبتنی بر نظریه‌های علمی ادبی رویکرد شایسته‌ای نشان داده است.

مقاله حاضر به دلیل تشریح در عنوان بندی مؤلفه‌ها، بر آن است تا با «پیشنهاد رج‌بندی گروه - مؤلفه‌های ادبیات پایداری» شیوه‌ای هماهنگ، هم‌شکل و هم‌گرا، با درنگ بر بنیان موضوعی مؤلفه‌ها و بسامد حضورشان در تحقیقات مختلف ارائه دهد.

در این پیشنهاد ۶۰ عنوان در ۹ گروه - مؤلفه گرد آمده است و با توجه به این آمار می‌توان اطمینان حاصل کرد که همه آنچه از نظر پژوهندگان ادبیات پایداری عنوان مؤلفه دارد، فراهم آمده است. همچنین تأکید می‌شود ادعای فراوانی بررسی مؤلفه‌ها از میان موضوعات متنوع و گوناگون ادبیات پایداری بر حدس و گمان استوار نیست؛ بلکه ر صد و بر شماری

*. دانشیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

ghkafi@shirazu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹-۰۴-۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰-۰۱-۲۷

۲۰ شماره از مجله ادبیات پایداری کرمان ما را به این نتیجه رسانده است؛ چراکه از میان ۲۷۶ مقاله منتشر شده ۶۴ مقاله آن (بیش از ۲۳٪) عنوان بررسی مؤلفه‌های پایداری دارند.

این پیشنهاد با هدف یکسان‌سازی ساختاری تحقیق در مولفه‌ها توانسته است:

یک) از پراکندگی و تشتت در عنوان کلی بحث بکاهد.

دو) پراکندگی و تشتت در عنوان برخی مؤلفه‌ها را اصلاح نماید.

سه) پژوهشگران را از گرد کردن مؤلفه‌های متعدد در یک عنوان پرهیز دهد.

نمایه کلی مؤلفه‌ها، به عنوان یافته‌ی این مقاله به قرار زیر است:

یک) مؤلفه‌های بر بنیان تبیین هویت	دو) مؤلفه‌های بر بنیان ستم‌ستیزی و طرد بیگانه
سه) مؤلفه‌های بر بنیان سلحشوری و	چهار) مؤلفه‌های بر بنیان شکیبایی و
روحیه جنگاوری	آمادگی دفاعی
پنج) مؤلفه‌های بر بنیان نیک‌خواهی	شش) مؤلفه‌های بر بنیان بصیرت و بینش
هفت) مؤلفه‌های بر بنیان آگاهی‌بخشی	هشت) مؤلفه‌های بر بنیان اتفاق و وحدت
نه) مؤلفه‌های بر بنیان آیین فتوت	

اینک بر اساس آنچه هدف غایی این پیشنهاد بوده است، یعنی همانا ارائه و کاربست شیوه‌ای نظام‌مند در یکی از موضوعات پرکاربرد ادبیات پایداری به قصد ایجاد هماهنگی و همسانی در پژوهش‌های همسو روی داده است. این طرح با پیشنهاد ۶۰ عنوان مختلف و در قالب ۹ گروه - مؤلفه، الگویی ارائه داده است که براساس آن می‌توان نزدیک به یک چهارم از پژوهش‌های در پیوند با ادبیات پایداری را به صورت دستگامی یا نظریه‌مند دسته‌بندی، پایش و حتی ارزش‌گذاری کرد. پایش و پالایش ما در این تحقیق که بر اساس رصد مستقیم نزدیک به ۶۰۰ عنوان مقاله بوده است، در نهایت به اولویت‌بندی گروه - مؤلفه‌ها و زیرعنوان‌ها انجامیده است؛ به بیان دیگر تقدم و تأخر درج گروه - مؤلفه‌ها و پس از آن، عنوان‌های هر زیرمجموعه دقیقاً براساس فراوانی و بسامد آن‌ها صورت گرفته است؛ یعنی مثلاً گروه «یک»، مؤلفه‌های بر بنیان تبیین هویت، بیشترین نمونه و رویکرد را در تحقیقات ادبیات پایداری داشته و گروه «نه»، مؤلفه‌های بر بنیان آیین فتوت، کمترین توجه را در پژوهش‌ها به خود جلب کرده است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات پایداری، مؤلفه‌های پایداری، رج‌بندی گروه - مؤلفه‌ها

۱- مقدمه

بررسی مؤلفه‌های پایداری و رصد آن در آثار ادبی یکی از رایج‌ترین شیوه‌های تحقیق در ادبیات پایداری به حساب می‌آید. آنچه این همسانی را در تحقیقات و مقاله‌های پُرسامد متفاوت می‌کند: اختلاف دیدگاه‌ها در عنوان‌بندی مؤلفه‌هاست که در اکثر مواقع ریشه در ذوق و سلیقه نویسنده‌گان دارد. درنگ در عنوان‌های به کاررفته در این گروه از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که گاه این موضوع و مضمون به تعبیرهای متعدد نام‌گذاری شده است؛ حال آنکه حاصل و هدف تحقیق امر واحدی بوده است.

بنابراین، به نظر می‌رسد می‌توان با کاربست شیوه‌ای نظام‌مند به هماهنگی و همسانی شایسته‌ای از منظر شکل و نمایه در پژوهش‌های ادبیات پایداری دست یافت. همچنین تأکید می‌شود ادعای فراوانی بررسی مؤلفه‌ها از میان موضوعات متنوع و گوناگون ادبیات پایداری بر حدس و گمان استوار نیست، بلکه رصد و برشماری ۲۰ شماره از مجله ادبیات پایداری کرمان ما را به این نتیجه رسانده است؛ چراکه از میان ۲۷۶ مقاله منتشرشده ۶۴ مقاله آن (بیش از ۲۳٪) عنوان بررسی مؤلفه‌های پایداری دارند.

۱-۱- بیان مسئله

نظام‌مندی در جامعه علمی و دانشگاهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پیامد همین اهمیت است که جامعه علمی ادبی نیز به پژوهش‌های نظام‌مند و مبتنی بر نظریه‌های علمی ادبی رویکرد شایسته‌ای نشان داده است. امروزه میزان درخور توجهی از تحقیقات و مقاله‌های ادبی دانشگاهیان بر پایه نظریه‌های نظام‌مند ادبی صورت می‌گیرد. جزءنگری رج‌بندی و غربالگری و ارائه تقسیمات متعدد کار علم است که با هدف بازشناسی دقیق‌تر و در عین حال آسان‌تر داده‌های علمی انجام می‌پذیرد.

اینک مقاله حاضر به دلیل تشریح در عنوان بندی مؤلفه‌ها، بر آن است تا با «پیشنهاد رج‌بندی گروه - مؤلفه‌های ادبیات پایداری» شیوه‌ای هماهنگ، هم شکل و همگرا، با درنگ بر بنیان موضوعی مؤلفه‌ها و بسامد حضورشان در تحقیقات مختلف ارائه دهد.

در این پیشنهاد ۶۰ عنوان در ۹ گروه - مؤلفه گرد آمده است و با توجه به این آمار می‌توان اطمینان حاصل کرد که همه آنچه از نظر پژوهندگان ادبیات پایداری عنوان مؤلفه دارد، فراهم آمده است.

۱-۲- پیشینه تحقیق

بصیری (۱۳۸۸) در کتاب *سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی ضمن پی‌جویی* زمینه‌های پیدایش شعر مقاومت، مؤلفه‌هایی از آن را در اعصار مختلف به دست می‌دهد. سنگری (۱۳۸۰) در مجموعه سه جلدی *نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس*، به ویژه جلد نخست آن، بدون کاربرد اصطلاح مؤلفه، بر شماری مؤلفه‌های پایداری در ادوار مختلف را دست‌مایه قرار داده است. همچنین می‌توان از کتاب‌هایی نظیر *بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان* (کاکایی، ۱۳۷۹) یا *شعر مقاومت (صنعتی، ۱۳۸۹)* نام برد؛ اما آنچه به‌عنوان پیشینه برای تحقیق حاضر شناخته می‌شود، بیشتر در قالب مقاله است. امیری خراسانی (۱۳۹۳) در مقاله «ادبیات پایداری، تعاریف و حدود» ضمن ارزیابی و نقد تعاریف این گونه ادبی در نهایت تعریفی را در دو تقسیم ادبیات پایداری و ادبیات دفاع مقدس ارائه می‌دهد. این مقاله به مؤلفه‌ها نمی‌پردازد؛ ولی در تبیین شاخص‌های تعریف به برخی از مؤلفه‌های پایداری اشاره می‌کند. همچنین محسنی‌نیا (۱۳۸۸): ۱۴۳-۱۵۸) در مقاله «مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب» به بر شماری نمادها در ادبیات مقاومت پرداخته است و همچون مقاله پیشین در تبیین نمادها، می‌توان به برخی مؤلفه‌ها دست یافت. نیز از این گونه است (بصیری، ۱۳۸۴) «طرح و توضیح چند سؤال درباره مبانی ادبیات پایداری» و (سجودی، ۱۳۸۵) «ساختار شعر پایداری». مقاله (جهانگرد، ۱۳۹۵: ۶۱-۸۱) «تحلیل سیر تکوینی تعاریف ادبیات پایداری در ایران» که در مجله ادبیات پایداری چاپ شده است، به موضوع ما نزدیک است. و بیش از همه مقاله (چهرقانی، ۱۳۹۶: ۳۳) «ادبیات پایداری در ایران، بازشناسی مؤلفه‌ها، فرصت‌ها و چالش‌ها» با مقاله حاضر همسویی دارد که در آن گروه مؤلفه‌هایی موضوعی معرفی شده‌اند و البته خیلی کلی‌اند.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

همان‌گونه که اشاره شد، نظام‌مندی در جامعه علمی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر این اساس، طرح حاضر بر آن است تا شیوه‌ای نظام‌مند برای رج‌بندی و بازشناخت مؤلفه‌های پایداری ارائه دهد تا با کاربرست آن بتوان به هماهنگی و همگرایی دانشورانه‌ای دست یافت.

۲- بحث

۲-۱- درآمد

اگرچه بنیان این پیشنهاد بر نظام‌مند کردن مؤلفه‌های پایداری، به‌عنوان گسترده‌ترین مبحث در ادبیات پایداری استوار است، فرامود و گوشزد کردن کاستی‌هایی که در پژوهش‌های پیشین روی داده است، نه تنها خالی از لطف نیست، بلکه هدف این غربالگری و همسان‌سازی را نیز توجیه می‌کند:

یک (پراکندگی و تشتت در عنوان کلی بحث: در حالی که موضوع مقاله‌ها و پژوهش‌های همسو یک چیز است؛ یعنی بررسی مؤلفه‌های پایداری، ولی عناوین پراکنده‌ای در این خصوص به کار گرفته می‌شود که این کار پایه و دلالت علمی ندارد و باروح پژوهش‌دانشورانه سازگار نیست. برخی از عناوین بدین قرار است:

- مؤلفه‌های ادب پایداری در شعر عارف قزوینی (امیری خراسانی، ۱۳۹۱: ۶۶۷)؛

- جلوه‌های پایداری و مقاومت در شعر انقلاب اسلامی (همان: ۲۷۵)؛

- بارقه‌های ادبیات پایداری در شعر توفیق زیاد (همان: ۵۷۶)؛

- درون‌مایه‌های مقاومت در شعر جواد جمیل (همان: ۲۵۹).

دو) پراکندگی و تشتت در عنوان برخی مؤلفه‌ها: هم‌چنین هر یک از مؤلفه‌ها نیز ممکن است ذیل عنوان‌های متفاوت و متعددی بررسی شوند. با هم به چند نمونه می‌نگریم:

- وطن پرستی و میهن‌دوستی: این عنوان یکی از پربسامدترین مؤلفه‌های پایداری است

که با عناوین پراکنده‌ای در پژوهش‌های ادبیات پایداری از آن یاد می‌شود:

عشق به سرزمین (مجله پایداری، ۱۳۹۴: ۷۲)، تقدیس و تخلید وطن (همان: ۱۴۱)،

توصیف ویژگی‌های وطن (همان: ۵۷۹)، سرزمین (همان: ۲۶۴)، عشق به سرزمین مادری

(امیری خراسانی، ۱۳۹۱: ۴۱۲ و ...).

- دین و پایبندی به عقیده: بنابر ماهیت ادبیات پایداری، این مؤلفه نیز در پژوهش‌ها از

رویکرد شایسته‌ای برخوردار است و از این رو در عنوان‌بندی بسیار مشتت است:

دین و ایدئولوژی (مجله ادبیات پایداری، ۱۳۹۴: ۷۵)، تبلیغ ایدئولوژی خاص (همان:

۷۹)، استناد به متون دینی (همان: ۷۷)، تموج فرهنگ دینی (سنگری، ۱۳۸۹: ۱۳۰)،

ایدئولوژی گرای افراطی (امیری خراسانی، ۱۳۹۱: ۵۷۴) و ...

سه) گرد کردن مؤلفه‌های متعدد در یک عنوان: یکی دیگر از کاستی‌های موضوع مؤلفه‌ها در پایش ادبیات پایداری، تجمع مؤلفه‌های متعدد در زیر یک عنوان است: - دلواپسی فراموش شدن یاد و یادگارهای گران‌قدر شهیدان و دنیازدگی، رفاه‌زدگی و زرپرستی برخی عناصر زرپرستِ دنیامدار (سنگری، ۱۳۸۰: ۲۵). لازم به توضیح نیست که در این عنوان، دست‌کم دو مؤلفه گرد آمده است. - یاد شهیدان و اندوه حسرت‌زا از در گل ماندنِ خویش و عروج شهیدان (ادبیات انقلاب ۱، ۱۳۷۷: ۷۳)!!

- کودک، بازتاب آینده و مقاومت در وطن (مجله ادبیات پایداری، ۱۳۹۴: ۳۷)!!

۲-۲- رج‌بندی مؤلفه‌ها

روشن است که برای تدوین پیشنهاد و رج‌بندی مؤلفه‌ها پیش از هر چیز باید مقاله‌ها و کتاب‌هایی که در این موضوع پدید آمده‌اند، بررسی می‌شدند؛ بنابراین در آغاز حدود ششصد عنوان مقاله در موضوع و موضع ادبیات پایداری از نظر گذشت. تعداد ۲۷۶ عنوان از مقاله‌ها در شماره‌های بیستگانه «مجله ادبیات پایداری کرمان» دیده شد و مابقی در مجله‌ها و کتاب‌ها و مجموعه مقاله‌های پراکنده، از جمله ۴ دفتر با عنوان «نامه پایداری» که حاصل کنگره‌های ادبیات پایداری بود و آثار دیگری نظیر «ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات»، «مجله فرهنگ پایداری نام آورد. دفترهای متعدد از نظر گذشت. وانگهی پس از غربال‌های متعدد، رفع هم‌پوشانی‌ها و خارج کردن همسان‌ها، در نهایت به ۶۰ عنوان رسیدیم. درنگ در عنوان‌ها نشان می‌داد که برخی مؤلفه‌ها پیوندهای ظریفی با یکدیگر دارند که می‌توان آن‌ها را در هیئت یک «گروه - مؤلفه» جای داد. در این مرحله نیز با پایش‌ها و پالایش‌های متعدد به ۹ گروه - مؤلفه دست یافتیم که اینک عرضه می‌گردد. نکته شایان ذکر اینکه تقدم و تأخر گروه مؤلفه‌ها بر اساس فراوانی و بسامد حضور آن‌ها صورت گرفته و حتی زیرعنوان‌ها نیز کاملاً دارای اولویت‌بندی‌اند و تقدم یا تأخر آن‌ها نیز معنادار است که نشان از توجه‌انگیزی یا فروماندگی آن‌ها دارد.

-عناوین «گروه - مؤلفه‌ها» به قرار زیر است:

- ۱- مؤلفه‌های بر بنیان تبیین هویت؛ ۲- مؤلفه‌های بر بنیان ستم ستیزی و طرد بیگانه ۳- مؤلفه‌های بر بنیان سلحشوری و روحیه جنگاوری ۴- مؤلفه‌های بر بنیان شکیبایی و آمادگی دفاعی ۵- مؤلفه‌های بر بنیان نیک‌خواهی ۶- مؤلفه‌های بر بنیان بصیرت و بینش ۷- مؤلفه

های بر بنیان آگاهی‌بخشی ۸- مؤلفه‌های بر بنیان اتفاق و وحدت ۹- مؤلفه‌های بر بنیان آیین فتوت.

۲-۱-۲- مؤلفه‌های بر بنیان تبیین هویت

۱. میهن دوستی و ملیت

میهن یا سرزمین مادری، در جایگاه یکی از پایه‌های سه‌گانه اصل هویت، در کنار دین و زبان، در شعر و ادب پایداری بسیار مورد توجه است به نحوی که آثار در پیوند با موضوع مؤلفه‌های پایداری تقریباً خالی از این عنوان دیده نشده است:

هر که را مهر وطن در دل نباشد، کافراست
معنی حب‌الوطن فرموده پیغمبر است!
(بهار، ۱۳۸۷: ۵۴۹)

وطن ما به جای مادر ماست ما گروه وطن پرستانیم

(ایرج میرزا، ۱۳۷۰: ۱۹۳)

۲. دین و باورهای مذهبی

دین نیز در جایگاه یکی دیگر از پایه‌های سه‌گانه اصل هویت، در ادبیات پایداری بسیار توجه برانگیز است و دست‌کم در ادبیات کشورهای اسلامی گاه مرتبه‌ای مقدم بر میهن دارد.

- صدای ناب اذان می‌آمد/ از عمق حنجره پاک آن جوان/ که منتظر قائم بود/ که زیر
بال‌های آهنی توطئه/ به مرگ سفر می‌کرد... (صفارزاده، ۱۳۶۶: ۱۱)
- شعارنا انا هنا نُوحِدُ اللّٰهَ / اسلامنا تحرر و مبدأ انعتاق / لاعنصريات و لامبادی انشقاق...
(فضل‌الله، ۲۰۰۱: ۱۲۱)

۳. پاسداشت زبان مادری و ستیز با زبان بیگانه

زبان در جایگاه اصل سوم هویت، برای شاعر و نویسنده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ از این رو در مؤلفه‌های پایداری به حراست از آن توصیه می‌کند و با زبان‌های بیگانه از در ستیز در می‌آید!

تو گر کور و کر و لال و خمش باشی از این بهتر که گویی از زبان ترک و تازی این نشان دارم

(عارف قزوینی، ۱۳۴۶: ۳۱۴)

تلاش ادیب‌الممالک فراهانی در عصر پایداریِ مشروطه برای تنظیم فرهنگِ فارسی و معادل‌یابی برای برخی واژگان عربی، مصداق پاسداشت هویت و زبان مادری است:
(عبرت نائینی، ۱۳۷۶: ۱۴۵/۱)

۴. استقلال طلبی

- من شهر به شهر خواهم گشت / و بر سر هر حجله شهید / یک لاله خواهم زد / تا لاله‌های سرخ و وحشی اسپیناس / خونین‌ترین پرچم استقلال‌مان باشد!
احمد رضا احمدی (کافی، ۱۳۹۳: ۴۵۷)

۵. اصالت‌گرایی و بازگشت به خویشتن

ای اسیر رنگ پاک از رنگ شو / مؤمن خود کافر افرنگ شو

(اقبال لاهوری، ۱۳۴۳: ۴۱۰)

۶. تکریم مظاهر و شخصیت‌های دینی یا آرمانی

- شمشیری که بر گلوی تو آمد / همه چیز و هر چیز را در کائنات / دوپاره کرد / هر چه در سوی تو حسینی شد... (گرمارودی، ۱۳۸۶: ۴۶)
سرنی در نینوا می‌ماند اگر زینب نبود / کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود

(فریده، ۱۳۷۵: ۱۳)

۷. سرزنش استحاله فرهنگی

- او سفره‌اش رنگین / سرش سنگین / او یک تن از مردان بلدرچین / افسوس یادش نیست / روزی کبوتر بود! (قزوه، ۱۳۸۷: ۳۱۲)

۸. نکوهش خودباختگی

چند مُنقاد هر خسی باشی / جهد آن کن که خود کسی باشی

(اوحدی مراغه‌ای، ۱۳۷۵: ۶۵۳)

۲-۲-۲- مؤلفه‌های بر بنیان ستم‌ستیزی و طرد بیگانه

۱. ستم‌ستیزی

بی شک یکی از مهمترین علل انقلاب‌ها ستمگری و ستم ستیزی است؛ از این رو، در ادبیات پایداری تحریض بر ستم ستیزی و البته طرد و رد بیگانگان از جایگاه والایی برخوردار است.

با دست قهر ریشه هر ظلم بگسلم با سنگ عدل شیشه هر جور بشکنم
فری آذرخشی که جهل و ستم را به خرمن گه کفر اندر گرفته

(ایرج میرزا، ۱۳۷۰: ۳۷)

۲. حمایت از مظلوم

همواره در پای هر ستمگری، ستم‌دیده‌ای اُفتاده است که کار ادبیات پایداری، حمایت از اوست.

بدان گه شود شاد، روشن دلم که رنج ستم‌دیدگان بگسلم

(فردوسی، ۱۳۹۰: ۱۴۵۰)

۳. نکوهش حاکمان جور و مقابله با استبداد

زین شه نادان امید حکمرانی داشتن هست چون از دزد، چشم پاسبانی داشتن

(بهار، ۱۳۸۷: ۲۵۰)

هر که را زین امرا مدح کنی، ظلم بود خاصه امروز که از عدل نما ند آثاری

(سیف فرغانی، ۱۳۴۱: ۲۴)

۴. نکوهش بیگانگان

همان گونه که اشاره شد، در نظر گاه ادبیات پایداری، بیگانه ستیزی نیز کم از ستم ستیزی نیست.

جز جفا کاری و بی‌رحمی و مظلوم کشی شیوه و عادت دربار بریتانی نیست

(فرخی یزدی، ۱۳۵۷: ۱۱۰)

۵. سرزنش بیگانه‌ستایان

ممکن است که پیامد حضور و نفوذ بیگانگان در سرزمینی، جانبداری و حمایت برخی خودی‌ها از آنان باشد که در این موضع نیز ادبیات پایداری به سرزنش این جماعت بیگانه‌ستا برمی‌خیزد:

بیگانه پرست بوده‌ای و امروز دانم کان خوی بد رها کردی

(بهار، ۱۳۸۷: ۲۵۶)

۶. رد لطف بیگانه

ناسازگاری با بیگانه در واقع برخاسته از روشن بینی و بصیرتی است که خود از مؤلفه‌های پایداری به شمار می‌رود. از این رو لطف بیگانه نمی‌پذیرد.

خانه‌ای کو شود از دست اجانب آباد ز اشک ویران کش آن خانه که بیت‌الحن است

(عارف قزوینی، ۱۳۴۶: ۲۰۲)

۲-۳- مؤلفه‌های بر بنیان سلحشوری و روحیه جنگاوری

۱. تحریض به قیام و مبارزه

در این مؤلفه، ادبیات پایداری از کارکرد حماسه کمک می‌گیرد و انگیزه‌اش به قیام و مبارزه را به‌عنوان راهکاری مؤثر در برخی نهضت‌ها ارائه می‌دهد.

پلنگی چند می‌خواهیم یا رب در این دیوانه گرگان اوفتاده

(سیف فرغانی، ۱۳۴۱: ۱۱۸)

۲. مقابله با دشمن تا پای جان

باز می‌خواند کسی در شیبه اسبان مرا منتظر استاده در خون چشم این میدان مرا

بسته بودم در ازل عهدی و اینک شوق دار می‌کشد تا آخرین منزلگه پیمان مرا

(اسرافیلی، ۱۳۶۴: ۸۳)

۳. ستایش مبارزان و مجاهدان مردمی

اصولاً ادبیات پایداری وجههٔ مردمی دارد، از این رو ستایش مجاهدانی که غالباً از میان توده برمی‌خیزند و قیامی یا نهضتی را رهبری می‌کنند، سزایند است.

ای شیردل ای دلیر ستار سردار مجاهدان تبریز

ای باقرخان راد سالار بر خرمن جور آتش انگیز

(بهار، ۱۳۸۷: ۱۳۵)

نیز این بیت ادیب پیشاوری در رثای شیخ فضل‌الله نوری:

و رأیت فضل الله، دین محمد و سواه زندقه الغواه فضولا

(عبرت نایینی، ۱۳۷۶: ۳۲)

۴. ستایش شهادت و مرگ مجاهدانه

یکی دیگر از کارکردهای حماسه تسلیت سوگ‌ها و داغ‌هاست که در پناه ستودن مرگ شرافتمندانه صورت می‌پذیرد. این کارکرد در ادبیات پایداری نیز مؤلفه‌ای کارآمد محسوب می‌شود.

- این کلام خرد و آگاهی است / که تاریخ ما / با بهترین خون‌های سرزمینمان / سرخ و

گلگون شده است!

بالکاکگو ستیسیل - شاعر آفریقای جنوبی (تراپی، ۱۳۸۴: ۲۹۵)

هر دلی مشق کبوتر نکند مردود است اینک این ما و دلی تا به قیامت مردود

(ذکوات، ۱۳۸۱: ۹۴)

۵. حفظ روحیهٔ سلحشوری

ای ظفرمندان، ظفرمندان در سنگر به پیش! ای سواران سحر، گردان نام‌آور به پیش!

بر تن روین نباشد، تیغ چوبین کارگر ای که داری جوشن تکبیر بر پیکر به پیش

(مردانی، ۱۳۷۰: ۱۸)

۶. ستایش دستاوردها، پیروزی‌ها و افتخارات
این چنین فتح نمایان لشکر اسلام را فخر تاریخ است و این تاریخ را تکرار باد
هیچ تاریخی ندارد این جلادت را به یاد این جلادت تا ابد سرلوحه اخبار باد

امیری فیروزکوهی (کافی، ۱۳۹۳: ۳۷۰)

۲-۲-۴- مؤلفه‌های بر بنیان شکیبایی و آمادگی دفاعی

۱. صبر و پایداری در راه هدف
بشکیب ازیرا که همی دست نیابد بر آرزوی خویش مگر مرد شکیبیا

(ناصر خسرو، ۱۳۴۸: ۲)

۲. تأکید بر توانمندسازی دفاعی و حفظ هوشیاری
که پیر گفت به خندق مسیر سیل ببند به آیه بود که محکم رباط خیل ببند
لگام وحش چنین گفت سهمگین باید مهار هار به زنجیر آهنین باید

(کافی، ۱۳۹۷: ۱۷۵)

۳. امیدبخشی و مبارزه با حس ناامیدی
محمد رجالنقاش (منتقد ادبی مصری. فوت: ۲۰۰۸) معتقد است که اصولاً شعر پایداری
امیدوار است (النقاش، ۱۹۷۲: ۹۱).
کبوة هدی / این لغزشی است / وکم یحدیثُ أن یکبوا الهمام / بسا روی داده است که بزرگان
بلغزند / من اجل عشر للامام / لغزیده به عقب، برای ده گام به جلو! (زیاد، ۱۹۹۴: ۴۰)
اگر صبرت بود، روزی دوبینی عوانان کشته، میران اوفتاده
بینی ناگهان مردان دین را بر این دنیاپرستان اوفتاده

(سیف فرغانی، ۱۳۴۱: ۱۱۸)

۴. سرزنشِ مرعوبی و ترس از دشمن
- من عرب را رسوا خواهم کرد/ آیا دلآوری‌ها، دروغی عربی است؟/ یا تاریخ هم - چون
ما - دروغ می‌گوید؟ (قبانی، ۱۳۸۰: ۱۴۴)
- نه به خود گفت ستبداد امروز؟/ ز هراسیدن مانند فیروز... (نیمایشیح، ۱۳۰: ۱۴۰)
۵. صلح جوئی و پرهیز از جنگ طلبی
چو خواهد زدش من کسی زینهار تو زینهار ده باش و کینه مدار
- (فردوسی، ۱۳۹۰: ۱۲۲۱)
- ای سلاطین چاره در صلح است، صلح مصلحت یکباره در صلح است، صلح
- (نسیم شمال، بی تا: ۴۴)
۶. نکوهش کاهلی و تن‌آسایی
چه گفت آن سخنگوی آزاده مرد که آزاده را کاهلی بنده کرد
- (فردوسی، ۱۳۷۲: ۴۰)
۷. آمادگی مقابله به مثل
کنون ای دلارام من، شاد باش ز بند غم و رنج آزاد باش
که خیل دلیران ایران زمین سرافراز گردان با داد و دین
بسوزند بنیاد بیداد را بکوبند فرعون بغداد را
- محمود شاهرخی (همان: ۴۰۵)

۲-۲-۵- مؤلفه‌های بر بنیان نیک‌خواهی

۱. مردم‌داری و توده‌گرایی

ادبیات پایداری پیوند عمیقی با مردم دارد. آنچه به عنوان دغدغه‌مندی در ادبیات پایداری مطرح می‌شود، در حقیقت غمخوار مردم بودن و توده‌های ضعیف اکثریت است. بنشین درون قلب رعیت که این مکان ایمن تر است و نغز تر از بزم خسروی

(بهار، ۱۳۸۷: ۶۹۷)

مفدی ز کریا، شاعر شهید انقلاب الجزایر، در بیتی می‌گوید حاضرم جان بدهم، به شرط آنکه مردمم خوش‌بخت باشند:
و اقص یا موت فی ما انت قاضٍ انا راضٍ، ان عاش شعبی سعیدا

(مجله ادبیات پایداری، ۱۳۸۹: ۲۴۶)

۲. دیگرخواهی و نیک‌خواهی

گاهی اهل نظر ادبیات را به سه گروه ادبیات خداخواه، ادبیات خودخواه و ادبیات دیگرخواه تقسیم کرده‌اند و ادبیات پایداری را از گونه ادبیات دیگرخواه خوانده‌اند. از خدا رنج خود و راحت مردم طلبند مرهم زخم کسان، داغ نمایان خودند!

(صائب تبریزی، ۱۳۷۰: ۳۶۵)

ما جز برای خیر بشر دم نمی‌زنیم این است یک نمونه ز راز درون ما

(فرخی یزدی، ۱۳۵۷: ۸۵)

۳. عدالت‌طلبی و دادگری
سرتخت شاهی بپیچد سه کار نخستین ز بیدادگر شهریار

(فردوسی، ۱۳۹۰: ۱۲۲۸)

به دست عدل بیخ ظلم بگسل به مشت دوست، پشت خصم بشکن

(ایرج میرزا، ۱۳۷۰: ۳۶)

۴. آزاداندیشی و آزادی‌خواهی

منظور از آزاداندیشی در اینجا تحمل نظرگاه مخالف است و آزادی‌خواهی اقدام به نعمت آزادی است که ادبیات پایداری در مؤلفه‌های خود بر هر دو تأکید می‌ورزد.

ایلیا ابوماضی (شاعر مهاجر لبنانی) می‌گوید:

للموتِ اجملٌ من عیشِ علی مَضضٍ إِنَّ الْحَيَاةَ بِإِلا حُرِّيهِ عَدَمٌ

(بی‌گمان مرگ زیاتر از زندگی در سختی است، همانا زندگی بدون آزادی با نیستی برابر است). (امیری خراسانی، ۱۳۹۱: ۴۱۷)

-نیز این غزل فرخی یزدی (فرخی، ۱۳۵۷: ۴۵۳) با ردیف آزادی:

آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی دست خود زجان شستم از برای آزادی

۵. ایثار و از خودگذشتگی

غایت فرامودِ دیگرخواهی در ایثار و از خودگذشتگی نهفته است.

بنویس ایثار جان بود، غوغای پیرو جوان بود فرزند و زن، خانمان بود، از بیش و کم هر چه داری

(بهبهانی، ۱۳۹۷: ۱۹۲)

۶. صیانت از بیت‌المال و مبارزه با فساد

بعضی به اسم ملت اموال خلق بردند بردند پول‌ها را در بانک هاسپردند

نقل و شراب و شامپا بر روی میز خوردند هر کس به فکر خویشه، تو هم به فکر خود باش

(نسیم شمال، بی‌تا: ۲۰۲)

۲-۲-۶- مؤلفه‌های بر بنیان بصیرت و بینش

۱. بصیرت و دشمن‌شناسی

از خرد دور است فرصت با عدودادن ز دست بعد از آن از راه حسرت دست بر سر کوفتن

(ابن یمن، ۱۳۴۳: ۴۹۹)

۲. غفلت‌ستیزی و زمان‌آگاهی

خیمه زد غفلت و ما بار فرو افکندیم رخت در سای دیوار فرو افکندیم

(کافی، ۱۳۸۷: ۱۲۰)

«برهان الدین العبوش» (شاعر فلسطینی) مردان عرب را این گونه از غفلت بازمی‌دارد:
أَفِيقُوا رِجَالَ الْعَرَبِ طَالَ سُبُاطِكُمْ وَ هُبُّوا إِلَيَّ الْعُلِيَاءِ فَالْحُرُّ لَائِنِي

(مجله پایداری، ۱۳۹۴: ۱۴۴)

«بیدار شوید ای مردان عرب که خوابتان طولانی شد و به سوی معجد و بزرگی بشتابید که آزادمرد درنگ نمی‌کند.»

۳. تبیین خودی و غیرخودی

باید فرق کردن دشمن از دوست که دانستن ز دشمن، دوست نیکوست

(ناصر خسرو، ۱۳۴۸: ۵۵۴)

اجنبی یار گردد؟ نگردد خصم، غمخوار گردد؟ نگردد

آن که بیمار را زهر داده‌ست خود پرستار گردد؟ نگردد

(بهار، ۱۳۸۷: ۱۲۸)

۴. دغدغه حفظ ارزش‌ها

این غزل مصطفی محدثی به تمامی در همین دغدغه سروده شده است:

بیا به آینه، قرآن، به آب برگردیم بیا به اسب، حماسه، ر کاب برگردیم

به دست‌های پر از پینه، سفره‌های تهی به حرف اول این انقلاب برگردیم

(مصطفی محدثی، ۱۳۸۷: ۸۶)

۵. اعتراض به وضع موجود و راهنمایی به وضع مطلوب

ادبیات پایداری نوعاً معترض و ستیزنده است و معمولاً از نظر بینش و زمان آگاهی، بر کاستی‌ها و کجروی‌ها می‌شورد و بر وضع مطلوب نیز ارشاد و دلالت می‌کند.

مملکت جمله پر از منکر و معروفی نه که به خیر امر کند یا بود از شر ناهمی

خلق بیم است که چون ذره پراکنده شوند گر به ایشان نرسد سایه ظل‌اللهی

(سیف فرغانی، ۱۳۴۱: ۱۷۲)

۶. هوشیاری در برابر حیلۀ دشمن

چون شود دشمن ملامت، احتیاط از کف مله مکرها در پرده باشد آب زیرکاه را

(صائب، ۱۳۷۰: ۶۸)

۷. مبارزه با جهل و نادانی

نادانی و بندگی است توأم با هم ما بنده شویم اگر که دانا نشویم

(فرخی یزدی (امیری خراسانی، ۱۳۹۱: ۴۵۷)

۸. سرزنش خرافه و تحمیق

نقطهٔ مقابل بصیرت و بینش، نادانی و فروتر از آن خرافه‌گرایی است که ادبیات پایداری با این ناهنجاری ستیز و ناسازگاری دارد و در قبال آن به روشنگری می‌پردازد:

چند بنالی که بد شده ست زمانه؟ عیب تنت بر زمانه بر فکنی چون؟

هرگز کی گفت این زمانه که بد کن؟ مفتون چونی به قول عامهٔ مفتون؟

تو شده‌ای دیگر، این زمانه همان است کی شود ای بی خرد زمانه دگرگون!

(ناصر خسرو، ۱۳۸۸: ۱۷۷)

۲-۷-۷- مؤلفه‌های بر بنیان آگاهی بخشی

۱. تحذیر، تذکر و اعتراض

سیف فرغانی، شاعر معترض قرن هفتم، قصیده‌ای دارد که اکثر ابیات آن با آیا... شروع می‌شود و بنیان تحذیر و تذکر دارد. نیز این ابیات از او:

ظالمی را که همه ساله بود کارش فسق به طمع نام منه عادل نیکوکاری

از ثنای امرای نیک نگهدار زبان گر چه رنگین سخنی، نقش مکن دیواری

(سیف فرغانی، ۱۳۴۱: ۲۴)

۲. درس و عبرت از گذشته

سرگذشت آل عثمان را نگر از فریب غریبان خونین جگر

(اقبال لاهوری، ۱۳۴۳: ۴۲۸)

چشم عبرت‌گشا بین که چه سان مسند جام داد بر کف باد

(ایرج میرزا، ۱۳۷۰: ۱۷۱)

۳. تطبیق تاریخ

منظور از تطبیق تاریخ ارجاع حوادث و شخصیت‌ها به گذشته است. شاعر یا نویسنده با این کار، مفاخره قهرمان امروز را در هم شأنی با مبارزان تاریخ نشان می‌دهد و هم چنین به تقیح دشمنان در مشابهت دادن آنان به جلادان تاریخ می‌پردازد (کافی، ۱۳۹۳: ۲۶۲):

بر خیز تا برگ سفر بر باره بندیم دل بر عبور از سد خار و خاره بندیم

وادی پر از فرعونیان و قبطیان است موسی جلودار است و نیل اندر میان است

(سزواری، ۱۳۸۶: ۲۱۹)

ظلمی که انگلیس در این آب و خاک کرد نه بیور اسب کرد و نه افراسیاب کرد

(بهار، ۱۳۸۷: ۵۵۲)

۴. الگوی پذیری مثبت از غیر

با همه بیگانه ستیزی‌ای که در ادبیات پایداری تعبیه است، بر بنیان آگاهی بخشی می‌توان از نکات مثبت و دریافت‌های دقیق و صحیح بیگانگان نیز الگو گرفت:

خیزید ز بیدادگران یاد بگیرید و ز دادستانان جهان یاد بگیرید!

(فرخی یزدی، ۱۳۵۷: ۳۷)

یا مرگ یا تجدد و اصلاح راهی جز این دو پیش وطن نیست

(بهار، ۱۳۸۷: ۲۳۳)

۵. مبارزه با تفکر جبرگرایی و تقدیر پذیری

آن را که رهی جزره تسلیم و قضا نیست نشگفت که تبدیل کند امر قضا را

(یغمایی جندقی، ۱۳۶۷: ۲۷۹)

من آن نیام که یکسره تدبیر مملکت تسلیم هرزه گرد قضا و قدر کنم

(عشقی، ۱۳۵۷: ۳۷۷)

۶. پایه‌ریزی اندیشه انقلابی

معمولاً خیزش‌های مردمی و رهبران آن «ها مورد حمایت و ستایش ادبیات پایداری‌اند.
خوش آمدی به وطن ای مجاهد ای رهبر گران مبادت بر جان خسته رنج سفر

بریز در خط اسلام طرح جمهوری که مسلمیم و به امّ الکتاب مُستطهر

حمید سیزواری (امیری، ۱۳۹۱: ۴۷۱)

یا این شعر از سمیع القاسم که

سکوت وقتی دارد و اندوه وقتی / اما جنین انقلاب در رحم خشم رشد می‌کند / ... تا
پیروزی نهایی (همان: ۵۰۷).

۷. ایمان به ماوراء

– کُلُّمَا يَقْدِفُ بِالْأَحْجَارِ فِي وَجْهِ الْجُنُودِ / كُلُّمَا يَصْرُخُ فِي وَجْهِ الْجُنُودِ / سَيَعُودُ جِيْشِ
محمد سَيَعُودِ!

(مقادمه، ۲۰۰۳: ۳۱)

(پیوسته به طرف دشمن سنگ پرتاب می‌کند و بر روی آنان فریاد می‌زند که به زودی
لشکر نجات‌بخش رسول خدا فرا می‌رسد!)

۲-۲-۸- مؤلفه‌های بر بنیان اتفاق و وحدت

۱. دعوت به اتحاد و همدلی

دولت و ملت چو هر دو دست به هم داد پای به دامن کشد عدوی سبک سر

(بهار، ۱۳۸۷: ۴۹)

- یک دست بی صداست / من / فریاد من شکسته اگر در گلو و گر / فریاد من رسا / من از
برای راه خلاص خود و شما / فریاد می‌زنم... (نیمایوشیح، ۱۳۶۴: ۵۰۰)

۲. پیروی از رهبر واحد

گر همه غزو است بی رهبر خطاست فعل آن ملعون و قتلِ کربلاست

(نزاری قهستانی، ۱۳۷۰: ۸۰)

فرض است فرمان بردن از حکم جلودار گر تیغ بارد گو بیارد، نیست دشوار

حمید سبزواری (کافی، ۱۳۹۳: ۴۰۱)

۳. مشورت و بهره‌گیری از خرد جمعی

یکی انجمن ساخت با بخردان هشیوار و کارآزموده ردان

(فردوسی، ۱۳۷۲: ۵۲)

باید چنین نمود و چنان کرد، چاره جست لیکن چه چاره، با من تنها نمی‌شود

(عشقی، ۱۳۵۷: ۱۵۹)

۴. الگوپذیری از پیشروان فکری

هر خیزش و نهضتی ممکن است نامورانی داشته باشد که اندیشه انقلابی را پایه‌ریزی کرده
باشند، ادبیات پایداری بر بنیان همگرایی فکری، از پیروان نهضت می‌خواهد تا با الگوپذیری
از این پیشروان نهضت را در مسیر صحیح آن ادامه دهند:

تا برون آرم دمار از آن گروه مار دوش تربیت هم‌دوش پور آبتیم کرده است!

(فرخی یزدی، ۱۳۵۷: ۲۸)

۵. طرد قبیله‌گرایی و شعوبی‌گری

- کُلُّكُمْ رَاعٌ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ لَدَى حَكَمِ الرَّعِيَةِ / كَيْسٌ لِلْأَلْوَانِ فِي الدِّينِ فَضِيلَةٌ / كَلْنَا مِنْ آدَمَ،
من عنصر الارض الجميله / سخن اخوه ... (فضل الله، ۲۰۰۱م: ۱۳۴)

یکی گوید شریفم من، عرابی گوهر و نسبت یکی گوید عجم را پادشاه، مر جدم من بدجم

(ناصر خسرو، ۱۳۸۸: ۴۵۴)

۶. تحمل مخالف و ارشاد معاند

روحیه نیک‌خواهی ایجاب می‌کند، به اعتبار اهمیت وفاق و همدلی، ادبیات پایداری بر تحمل مخالف تأکید ورزد و حتی معاند را نیز به راه صواب راهنمایی کند:
آن کرامت‌ها که در حق معاند کرده‌اید درسی از دین خدا در خاطر کفّار باد

(امیری فیروزه کوهی (کافی، ۱۳۹۳: ۳۷۲)

با دوست هنر نیست اگر زیست کنی تو با دشمن خود زیست چو کردی هنر است

(نیمایوشیح، ۱۳۶۴: ۶۵۶)

۹-۲-۲- مؤلفه‌های بر بنیان آیین فتوت

۱. ستایش مروّت و مردانگی

تا توانی مکش ز مردی دست که به سستی کسی ز مرگ نجست
هرکه او را بلند مردی کرد تا به روز اجل نگردد پست

(مسعود سعد، ۱۲۳۹: ۱۶۴)

گر مرد هم‌تی ز مروّت نشان مخواه صد جا شهید شو، دیت از دشمنان مخواه

(عرفی شیرازی، ۱۳۳۸: ۱۶)

۲. نکوهش پیمان‌شکنی و تکریم وفاداری
چو پیمان‌شکن باشی و تیره مغز نیاید ز دست تو پیکار نغز

(فردوسی، ۱۹۶۵: ۲۹۲)

۳. نکوهش نفاق و فتنه‌انگیزی

درست نیست دورنگی میان ظاهر و باطن بگو شکسته نویسند تو به نامۀ ما را

(واعظ قزوینی، ۱۳۵۹: ۴)

واحسرتا که بر هم خورد اتفاق ملت بر باد داد این را بغض و نفاق ملت

(نسیم شمال، بی تا: ۹۸)

۴. خوش مرامی و دستگیری از ضُعبفا

اکرام کن به مردم افتاده ضعیف شکرانه خیال خوش و بازوی قوی

(بهار، ۱۳۸۷: ۵۱۶)

۵. رازداری و حفظ اسرار (نظامی و جز آن)

جهد کن تا چو ناکس و اوباش نکنی سر مملکت را فاش

پیش از این مردمی چنین بوده است رسم اهل فتوت این بوده است

(اوحدی مراغه‌ای، ۱۳۷۵: ۵۳۶)

۶. نکوهش دنیاطلبی و تجمل‌گرایی

خدایا اگر دستبند تجمل نمی‌بست دست کمانگیر ما را

کسی تا قیامت نمی‌کرد پیدا از آن گوشه کهکشانشان تیر ما را ست

(کاظمی، ۱۳۷۵: ۲۱)

۲-۳. نمایه کلی گروه - مؤلفه‌ها و عناوین

دو) مؤلفه‌های بر بنیان ستم‌ستیزی و طرد بیگانه

یک) مؤلفه‌های بر بنیان تبیین هویت

<p>۱- ستم‌ستیزی</p> <p>۲- حمایت از مظلوم</p> <p>۳- نکوهش حاکمان جور و مقابله با استبداد</p> <p>۴- نکوهش بیگانگان</p> <p>۵- سرزنش بیگانه‌ستایان</p> <p>۶- رد لطف بیگانه</p>	<p>۱- میهن دوستی و ملیت</p> <p>۲- دین و باورهای مذهبی</p> <p>۳- پاسداری زبان مادری و ستیز با زبان بیگانه</p> <p>۴- استقلال‌طلبی</p> <p>۵- اصالت‌گرایی و بازگشت به خویش</p>
--	--

	<p>۶- تکریم مظاهر و شخصیت‌های دینی یا آرمانی</p> <p>۷- سرزنش استحاله فرهنگی</p> <p>۸- نکوهش خودباختگی</p>
<p>چهار) مؤلفه‌های بر بنیان شکیبایی و آمادگی دفاعی</p>	<p>سه) مؤلفه‌های بر بنیان سلحشوری و روحیه جنگاوری</p>
<p>۱- صبر و پایداری در راه هدف</p> <p>۲- تأکید بر توانمندسازی و حفظ هوشیاری</p> <p>۳- امیدبخشی و مبارزه با حس ناامیدی</p> <p>۴- سرزنش مرعوبی و ترس از دشمن</p> <p>۵- صلح‌جویی و پرهیز از جنگ‌طلبی</p> <p>۶- نکوهش کاهلی و تن‌آسایی</p> <p>۷- آمادگی مقابله به مثل</p>	<p>۱- تحریض به قیام و مبارزه</p> <p>۲- مقابله با دشمن تا پای جان</p> <p>۳- ستایش مبارزان و مجاهدان مردمی</p> <p>۴- ستایش شهادت و مرگ مجاهدانه</p> <p>۵- حفظ روحیه سلحشوری</p> <p>۶- ستایش دستاوردها، پیروزی‌ها و افتخارات</p>
<p>شش) مؤلفه‌های بر بنیان بصیرت و بینش</p>	<p>پنج) مؤلفه‌های بر بنیان نیک‌خواهی</p>
<p>۱- بصیرت و دشمن‌شناسی</p> <p>۲- غفلت‌ستیزی و زمان‌آگاهی</p> <p>۳- تبیین خودی و غیر خودی</p> <p>۴- دغدغه حفظ ارزش‌ها</p> <p>۵- اعتراض بر وضع موجود و راهنمایی به وضع مطلوب</p> <p>۶- هوشیاری در برابر حيله دشمن</p> <p>۷- مبارزه با جهل و نادانی</p> <p>۸- سرزنش خرافه و تحمیق</p>	<p>۱- مردم‌داری و توده‌گرایی</p> <p>۲- دیگرخواهی و نیک‌خواهی</p> <p>۳- عدالت‌طلبی و دادگری</p> <p>۴- آزاداندیشی و آزادی‌خواهی</p> <p>۵- ایثار و از خودگذشتگی</p> <p>۶- صیانت از بیت‌المال و مبارزه با فساد</p>

هفت) مؤلفه‌های بر بنیان آگاهی‌بخشی

هشت) مؤلفه‌های بر بنیان اتفاق و وحدت

- ۱- تحذیر و تذکر و اعتراض
- ۲- درس و عبرت از گذشته
- ۳- تطبیق تاریخ
- ۴- الگوپذیری مثبت از غیر
- ۵- مبارزه با تفکر جبر گرایی و تقدیرپذیری
- ۶- پایه‌ریزی اندیشه انقلابی
- ۷- ایمان به ماوراء

- ۱- دعوت به اتحاد و همدلی
- ۲- پیروی از رهبر واحد
- ۳- مشورت و بهره‌گیری از خرد جمعی
- ۴- الگوپذیری از پیشروان فکری
- ۵- رد قبیله‌گرایی و شعوبی‌گری
- ۶- تحمل مخالف و ارشاد معاند

نُه) مؤلفه‌های بر بنیان آیین فتوت

- ۱- ستایش مروّت و مردانگی
- ۲- نکوهش پیمان‌شکنی و تکریم وفاداری
- ۳- نکوهش نفاق و فتنه‌انگیزی
- ۴- خوش‌مرامی و دستگیری از ضعیفا
- ۵- رازداری و حفظ اسرار (نظامی و جز آن)
- ۶- نکوهش دنیاطلبی و تجمل‌گرایی

۳- نتیجه‌گیری

اینک بر اساس آنچه هدف غایی این پیشنهاد بوده است، یعنی همانا ارائه و کاربست شیوه‌ای نظام‌مند در یکی از موضوعات پر کاربرد ادبیات پایداری به قصد ایجاد هماهنگی و همسانی در پژوهش‌های همسو روی داده است. این طرح با پیشنهاد ۶۰ عنوان مختلف و در قالب ۹ گروه - مؤلفه، الگویی ارائه داده است که براساس آن می‌توان نزدیک به یک چهارم از پژوهش‌های در پیوند با ادبیات پایداری را به صورت دستگامی یا نظریه‌مند دسته‌بندی، پایش و حتی ارزش‌گذاری کرد. پایش و پالایش ما در این تحقیق که براساس رصد مستقیم نزدیک به ۶۰۰ عنوان مقاله بوده است، در نهایت به اولویت‌بندی گروه - مؤلفه‌ها و

زیرعنوان‌ها انجامیده است. به بیان دیگر تقدم و تأخر درج گروه-مؤلفه‌ها و پس از آن، عنوان‌های هر زیرمجموعه دقیقاً براساس فراوانی و بسامد آن‌ها صورت گرفته است. یعنی مثلاً گروه «یک»، مؤلفه‌های بر بنیان تبیین هویت، بیشترین نمونه و رویکرد را در تحقیقات ادبیات پایداری داشته و گروه «نه»، مؤلفه‌های بر بنیان آیین فتوت، کمترین توجه را در پژوهش‌ها به خود جلب کرده است.

همچنین برای عنوان‌های زیرگروه نیز چنین است؛ برای مثال مؤلفه «میهن‌دوستی و ملیت» بیشترین بسامد را در گروه خود (یک) داشته و مؤلفه «تقیح خودباختگی» کمترین را. همچنین این پیشنهاد می‌تواند به عنوان طرح پیش‌دست پژوهشگر را یاری دهد تا در مراجعه مستقیم به متن سریع‌تر و اطمینان‌بخش‌تر شواهد و داده‌های مدنظر را برگزیند.

فهرست منابع

- ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات. (۱۳۷۷). **مجموعه دو جلدی مقالات کنگره ادبیات انقلاب اسلامی**. تهران: مرکز نشر آثار حضرت امام.
- اسرافیلی، حسین. (۱۳۶۴). **تولد در میدان**. تهران: حوزه هنری.
- امیری خراسانی، احمد و فاطمه هدایتی (۱۳۹۳). «ادبیات پایداری، تعاریف و حدود». *مجله ادبیات پایداری کرمان*، شماره ۱۰، صص ۲۳-۴۰.
- امیری خراسانی، احمد. (۱۳۹۱). **نامه پایداری ۱**. کرمان: نشر گرا.
- بصیری، محمدصادق. (۱۳۸۴). **طرح و توضیح چند سوال درباره مبانی ادبیات پایداری**. نامه پایداری، کرمان: بنیاد حفظ آثار.
- بصیری، محمدصادق. (۱۳۸۸). **سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات کرمان**: دانشگاه کرمان.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۸۷). **دیوان اشعار ملک الشعراء بهار**. تهران: نگاه.
- بهبهانی، سیمین (۱۳۶۷). **گزینه اشعار**. تهران: مروارید.
- ترابی، ضیاءالدین. (۱۳۸۴). **طبل‌های غران**. تهران: نسیم حیات.
- الجواهری، محمد مهدی. (۱۹۸۸). **ذکریاتی**. دمشق: دارالرافدین.
- جهانگردی، فرانک. (۱۳۹۵). «تحلیل سیر تکوینی تعاریف ادبیات پایداری در ایران». *مجله ادبیات پایداری کرمان*، شماره ۱۴، صص ۶۱-۸۱.
- چهرقانی، رضا. (۱۳۹۶). «**ادبیات پایداری، باز شنا سی مؤلفه‌ها، فرصت‌ها و چالش‌ها**». *مجله ادبیات معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، شماره ۲، صص ۳۳.

- حسینی، حسن. (۱۳۶۳). **هم صدا با حلق اسماعیل**. تهران: حوزه هنری.
- ذکاوت، خلیل. (۱۳۸۱). **مشق کبوتر**. شیراز: راهگشا.
- زیاد، توفیق. (۱۹۹۴). **اشد علی ایادیکم**. عکا: ابورحمون.
- سبزواری، حمید. (۱۳۸۶). **تو عاشقانه سفر کن**. تهران: نکا.
- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۰). **بررسی ادبیات دفاع مقدس**. تهران: پالیزان.
- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۹). **ادبیات دفاع مقدس**. تهران: بنیاد حفظ آثار.
- شاهرخی، محمود و مشفق کاشانی (۱۳۶۷). **مجموعه شعر جنگ**. تهران: امیرکبیر.
- صفارزاده، طاهره. (۱۳۶۶). **دیدار صبح**. شیراز: نشر نوید.
- صفارزاده، طاهره. (۱۳۸۶). **بیعت با بیداری**. تهران: نشر هنر بیداری.
- عشقی، میرزاده. (۱۳۵۷). **کلیات مصور عشقی**. تهران: امیرکبیر.
- فرخی یزدی، میرزامحمد. (۱۳۵۷). **دیوان فرخی**. حسین ملکی. تهران: امیرکبیر.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۲). **شاهنامه**. به تصحیح سعید حمیدیان، تهران: قطره.
- فرید طهماسبی، قادر. (۱۳۷۵). **عشق بی غروب**. تهران: برگ.
- فرید طهماسبی، قادر. (۱۳۸۵). **پری ستاره‌ها**. تهران: سوره مهر.
- فضل‌الله، محمدحسین. (۲۰۰۱ میلادی). **قصائد لاسلام....** بیروت: دارالملاک.
- قزوه، علی رضا. (۱۳۸۷). **سوره انگور**. تهران: نشر تکا.
- قزوینی، عارف. (۱۳۴۶). **عارف شاعر ملی ایران**. هادی حائری. تهران: جاویدان.
- کاظمی، محمدکاظم. (۱۳۷۵). **پیاده آمده بودم**. تهران: برگ.
- کافی، غلامرضا. (۱۳۸۱). **دستی بر آتش یا شناخت شعر جنگ**. شیراز: نوید.
- کافی، غلامرضا. (۱۳۸۷). **همین زنجیره تا صبح**. تهران: نشر تکا.
- کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۷۹). **بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان**. تهران: پالیزان.
- گرمارودی، علی. (۱۳۸۶). **باغ سنگ**. تهران: تکا.
- مجله ادبیات پایداری (۱۳۹۸-۱۳۸۸). شماره های متعدد. کرمان: دانشگاه کرمان.
- محسنی نیا، ناصر. (۱۳۸۸). «مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب»، مجله ادبیات پایداری کرمان، شماره ۱، سال اول، صص ۱۴۳-۱۵۸.
- مدرسی، فاطمه. (۱۳۹۲). «جلوه‌های مقاومت و پایداری در اشعار طاهره صفارزاده» مجله ادبیات پایداری کرمان، شماره ۹، صص ۳۶۳-۳۸۲.
- مردانی، نصرالله. (۱۳۷۰). **خون‌نامه خاک**. تهران: کیهان.

- مسعود سعد سلمان. (۱۳۳۹). **دیوان مسعود سعد**. به تصحیح رشید یاسمی، تهران: پیروز.
- المقادمه، ابراهیم. (۲۰۰۳). **لاتسرقوا الشمس**. فلسطین: نشر مجلل طلاب الجامعه الاسلامیه.
- ناصر خسرو قبادیانی. (۱۳۴۸). **دیوان اشعار حکیم ناصر بن خسرو قبادیانی**. به کوشش سید نصرالله تقوی، تهران: گلشن.
- نسیم شمال، سید اشرف الدین. (بی‌تا). **باغ بهشت**. تهران: رجیبی.
- النقاش، محمد رجا. (۱۹۷۲). محمود درویش، شاعر الأرض الْمُحتَله (محمود درویش شاعر سرزمین اشغالی). بیروت: الموسسه العربیه للدراسات والنشر.
- نیمایوشیح، علی. (۱۳۶۴). **مجموعه آثار**. به کوشش سیروس طاهباز. تهران: نشر نگاه
- هراتی، سلمان. (۱۳۸۰). **مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی**. تهران: دفتر شعر جوان.

References:

- Al-moghadameh, I. (2003). *'''' t llll ll uu..*. Palestine: Mojalal Tolaab Al-Jame'e Al-Eslamie publisher.
- Al-naghaash, M. (1972). *Mahmood Darvish, poet of the occupied land of Palestine*. Beirut: Arabic Dept. of Education and Publishing.
- Amiri Khorasani, A. (2012). *Resistance letter 1*. Kerman: Garaa publisher
- Bahar, M. (2008). *Divan-e ashaar*. Tehran: Negah.
- Basiri, M. (2005). *Bringing up and explaining a few questions about resistance literature basis*. Kerman: The Foundation for Preserving the Works and Propagating the Values of the Holy Defense.
- Behbahani, S. (1988). *Best poems of Simin Behbahani*. Tehran: Morvarid
- Chahgharani, R. (2017). Resistance literature, recognition of components, opportunities and challenges. *Journal of contemporary literature, Institute for Humanities and Cultural Studies*, 2, 33.
- Eshghi, M. (1978). *Romantic illustrated poems*. Tehran: AmirKabir.
- Esfarili, H. (1985). *Birth in the square*. Tehran: Hozeh Honari
- Farid Tahmasebi, Gh. (1996). *Love without a sunset*. Tehran: Barg.
- Farid Tahmasebi, Gh. (2006). *The fairy of stars*. Tehran: Sore-e-Mehr.

- Revolution of literature, literature of revolution*. (1998) articles of literature congress of Islamic Revolution duology. Tehran: publishing center for Imam's works
- Sabzevari, H. (2007). *travel like a lover*. Tehran: Negah.
- Saffarzadeh, T. (1987). *Morning visit*. Shiraz: Navid Publisher.
- Saffarzadeh, T. (2007). *Allegiance with awakeness*. Tehran: Honar-e Bidari.
- Sangari, M. (2001). *Inspecting the Holy Defense literature*. Tehran: Palizan.
- Sangari, M. (2010). *Literature of the Holy Defense*. Tehran: The Foundation for Preserving the Works and Propagating the Values of the Holy Defense.
- Seyed Ashrafedin Hosseini, N. (n.d.). *ee vvenss eeeeeee* Tehran: Rajabi.
- Shahrokhi, M., & Kashani, M. (1988). *War poems collection*. Tehran: Amir Kabir.
- Torabi, Z. (2005). *Loud drums*. Tehran: Nasime Hayaat.
- Zekavat, Kh. (2002). *Mashgh-e Kabootar*. Shiraz : Rahgocha.
- Ziyad, T. (1994). *Ashado a-laa ayaadikom*. Akko: Aboo-Rahmoon.